سنگر کتاب

برای تثبیت فرهنگ آزادگان

از سال ۱۳۸۴ شکل جدیدی از فعالیت فرهنگی درباره آزادگان آغاز شد. با شکل‌گیری و تأسیس «موسسه فرهنگی پیام آزادگان» به عنوان یک سازمان مردم‌نهاد، بانیان مؤسسه که از یاران و شاگردان مرحوم ابوترابی بودند با بهترین تصمیم در حساس‌ترین زمان ممکن در مجلس، بنیاد شهید و امور ایثارگران و... با طرح هویت آزادگان از حقوق آنان دفاع کردند. موسسه پیام آزادگان از همان ابتدای شکل‌گیری هیچ سرمایه دولتی و غیردولتی، شخصی و منبع درآمدی نداشت. دوستان دلسوز و همراهان همیشگی در آن برهه و از همان سال اول تأسیس، علی‌رغم نداشتن امکانات، توانستند فعالیت‌های خود را با دست خالی شروع کنند. این مؤسسه برای ثبت فرهنگ آزادگان، اقدام به انتشار کتاب‌هایی کرده است که اگر چه در بازار نشر به خوبی دیده نمی‌شود اما ارزش زیادی دارد.



خون‌نگار

زینب‌گل محمدی | نویسنده و پژوهشگر دفاع مقدس

پاسیاد پسر خاک

نمی‌شود درباره آزادگان بنویسیم اما یادی از سید آزادگان دوران دفاع‌مقدس یعنی شهید حاج سیدعلی‌اکبر ابوترابی به میان نیاوریم؛ روحانی جلیل‌القدری که با هوشمندی و تبعیت از سیره نبوی، در اردوگاه‌های عراق کاری کرد و جان بسیاری از آزادگان را نجات داد و توانست با برنامه‌هایی فرهنگی و روحانی، روحیه آنها را برای مقاومت و ایستادگی، قوی نگه دارد.

یکی از کتاب‌هایی که درباره این شخصیت نوشته شد و بیشتر از بقیه کتاب‌ها مورد توجه واقع شد، کتاب «پاسیاد پسر خاک» اثر نویسنده جوان کشورمان، محمد قبادی است. این نویسنده درباره کتابش می‌گوید: این کتاب زندگینامه کاملی از مرحوم حجت‌الاسلام علی‌اکبر ابوترابی‌فرد را در بر دارد. در بیشتر کتاب‌ها با این موضوع فقط به یک بخش از زندگی وی اشاره شده و در بیشتر موارد مباحث به صورت جسته گریخته آمده‌اند، اما این کتاب حاصل توجه به مباحثی است که از دل خاطرات و در ۸۰ ساعت مصاحبه در مشهد، قم، قزوین و تهران به دست آوردم. وی می‌گوید: در کتاب پاسیاد پسر خاک نگاهی واقع‌بینانه‌تر به شخصیت ابوترابی داشته‌ام و در عین حال از معیارهای پژوهشی و علمی بهره گرفته‌ام. در این کتاب ابوترابی، فردی دست‌نیافتنی نیست و براساس شناختی است که خودم از مرحوم ابوترابی به دست آوردم.

قبادی با تاکید بر این که باید در شهرستان‌ها درباره این کتاب‌ها کار تبلیغاتی انجام شود، یادآور می‌شود: کتاب‌ها در سطح جشنواره‌ها باقی می‌مانند. اگر برگزاری این نوع جشنواره‌ها فقط برای رفع تکلیف باشد، بازخوردی در جامعه نخواهد داشت.



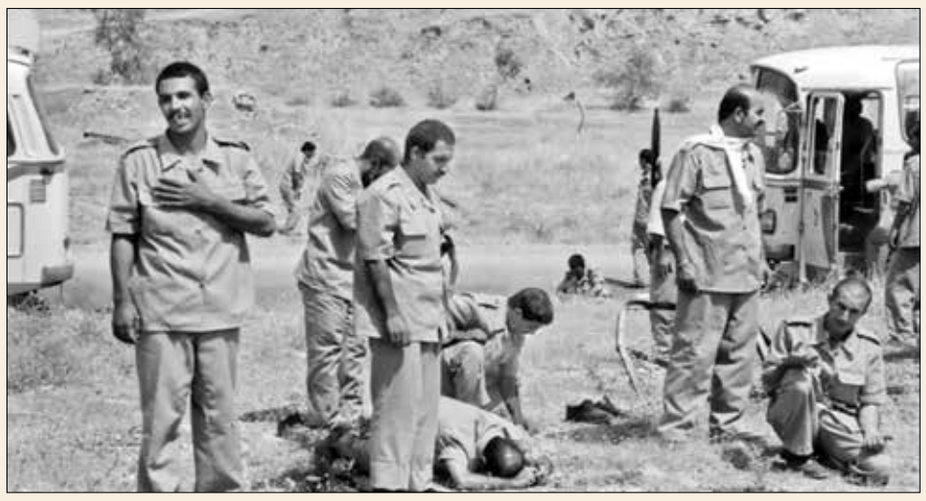
سیدعلی‌اکبر ابوترابی فرزند آیت‌ا... سیدعباس ابوترابی در سال ۱۳۱۸ شمسی در شهر قم دیده به جهان گشود. (چون سند ولادت در حوزه طالقان تنظیم و ثبت شده، در بعضی اسناد محل تولد ایشان طالقان معرفی شده‌است.) جد پدری سیدعلی‌اکبر، آیت‌ا... حاجی سید ابوتراب حسینی ابوترابی‌فرد، فرزند سیدحسین در سال ۱۲۵۷ هجری شمسی در شهرستان قزوین به دنیا آمد.

سید با آغاز جنگ تحمیلی، با لباس رزم از قزوین به سوی جبهه روآورد و در کنار شهید دکتر مصطفی چمران در ستاد جنگ‌های نامنظم به سازماندهی نیروهای مردمی پرداخت. وی شخصا به ماموریت‌های شناسایی رزمی دشوار می‌رفت. آزادی منطقه پرحادثه و خطرناک «دب حردان» به فرماندهی وی در راس یک گروه متشکل از یکصد رزمنده ممکن شد.

شهادتنامه شهید چمران، در رثای سیدعلی‌اکبر ابوترابی که گمان قوی بر شهادت ایشان داشت، (ابتدا خبر شهادت آقای ابوترابی پخش و مراسم عزاداری به مناسبت شهادت ایشان برگزار شد و بعدها معلوم شد ایشان اسیر شده‌است) گواهی گویا در نقش تعیین‌کننده ایشان در محورهای عملیاتی جنوب کشور است.

اردوگاه شهید ابوترابی آخرین اردوگاهی بود که اسرای آن تبادل شد، روز آزادی ۹ نفر را جدا کردند و خارج اردوگاه زندانی کردند. عصر روز بعد، پس از آزادی همه‌شان را به «رمادیه» بردند و حدود ۲۵ روز هم آنجا نگه داشتند و سپس همزمان با مهندس یحیوی و مهندس بوشهری راهی وطن عزیزمان شدند.





گوشه‌ای از خاطرات یک آزاده در آستانه ۲۶ مرداد، سالگرد ورود اولین گروه از آزادگان

شکنجه برای زیارت!

میثم رشیدی مهرآبادی
دبیر گروه پایداری

۲۶ مرداد هر سال، یادآور ورود اولین گروه از آزادگان به کشورمان است. این روند آزادی چندین ماه طول کشید اما اولین روز را به طور نمادین، به نام روز ورود آزادگان نامگذاری کردند تا بهانه خوبی باشد برای بزرگداشت مردانی که سال‌ها در سخت‌ترین شرایط ایستادگی کردند و خم به ابرو نیاوردند. سیدهادی غنی از رزمندگان و آزادگان دوران دفاع مقدس و جانباز شیمیایی یکی از آن آزادمردانی است که قریب به چهار سال مفقودالاثر بود. او سال ۶۴ شیمیایی شد، سال ۶۵ اسیر و سال ۶۹ از اسارت اردوگاه ۱۱ تکریت آزاد شد. چند خاطره از او زینت‌بخش صفحه پایداری امروز است؛

سه شبانه‌روز در پادگان الرشید بغداد، در محاصره و تشنگی بودیم، سپس اسرا را به داخل دخمه‌ای بردند که حالت آشغال‌دانی داشت و پر از کثافت و گرد و خاک بود.

در دوران اسارت، طبق رسم مسلمانی هر کجا که وارد می‌شدیم سلام می‌کردیم. وقتی من را به استخبارات بردند، شب بود. من سلام کردم، ناگهان شکنجه‌گر عراقی چنان سیلی به گوش من زد که من گفتم: آیا جواب سلام این است؟!

سپس یکی‌یکی اسرا را برای شکنجه بردند. وقتی چشمان من را باز کردند من گفتم الموت لصدام.

با گفتن این حرف، چهار بار زیر شکنجه بیهوش شدم و بعد با چند سطل آب دوباره به هوش آمدم و دوباره از هوش رفتم. یک علت دیگر که خیلی شکنجه می‌شدم این بود که بسیجی و سادات بودم. آنها معتقد بودند که ایرانی‌ها سید نیستند و ما دروغ می‌گوییم.

شکنجه برای زیارت!

یک روز دوستان اسیر من، پشت کمرم نوشته بودند؛ یا حسین، یا زهرا، یا شهادت، یا کربلا و عکس گنبد و بارگاه امام حسین (ع) را نقاشی کرده بودند. وقتی عراقی‌ها این تصاویر و نوشته‌ها را روی کمر من دیدند یکی از آنها پرسید: آیا تو می‌خواهی به کربلا بروی؟ از آنجا که من شنیده بودم یکی از اسرای ما را به خاطر این که گفته بود می‌خواهم به کربلا بروم را به قدری شکنجه داده بودند که شهید شده بود، به زبان عربی گفتم: نه.

می‌خواستم به جای تو فدا شوم

روزی یکی از اسرای اهل زنجان به نام فتحعلی را به شدت زیر شکنجه قرار دادند و من صدای ناله‌ها و جیغ و فریاد او را می‌شنیدم. من هم در راهروی استخبارات بودم و هرکسی که رد می‌شد و می‌دید لباس بسیج بر تن من است، یک لگد به شکم، سر و کمر من می‌زد و می‌رفت؛ آن هم با پوتین تاف عراقی که لبه‌اش آهن‌دار بود.

من به شکنجه‌گر عراقی گفتم؛ او را نزنید. او تنها پسر خانواده‌اش است. سرباز عراقی رو به من گفت: داری از او طرفداری می‌کنی؟ الان بهت می‌گویم. فتحعلی به قدری شکنجه شده بود که الان جزو جانبازان اعصاب و روان است و یک گوشش اصلا شنوایی ندارد. آنها من را به جای فتحعلی شکنجه دادند تا حدی که له شدم. فتحعلی تا زمانی که با هم در اسارت به سر می‌بردیم به من می‌گفت؛ آقا سید، ببخشید ها، من باعث شدم شما به جای من کتک بخوری. من هم در جوابش می‌گفتم: اشکالی ندارد من می‌خواستم به جای تو فدا شوم.

عدنان وحشی رام شد

در شب اول اسرا را وارد اردوگاهی می‌کردند که به تونل وحشت معروف بود، شکنجه‌گر عراقی چنان با باتوم به کمر اسرا می‌زد که کمر کاملا خم می‌شد. آیا اصلا می‌توانید تصور کنید که این ضربه تا چه حدی محکم بود که کمر را خم می‌کرد؟!

من که شیمیایی هم شده بودم، با وارد شدن ضربه، نفس کم می‌آوردم و همه چیز پیش چشمانم تاریک می‌شد. یکی از شکنجه‌گرهای عراقی به نام عدنان، به شدت ظالم بود و همیشه اسرا را با کابل و باتوم می‌زد، فحاشی می‌کرد و به حضرت امام خمینی(ره) توهین می‌کرد.

شهید مهندس حاج اسدا... خالدی که همرزم شهید بهشتی بود و هر دوی آنها، انجمن اسلامی خارج از کشور را راه‌اندازی کرده بودند، آن زمان همراه ما در اسارت بود و با زبان انگلیسی، فارسی و آلمانی با این شکنجه‌گرها به خصوص عدنان صحبت می‌کرد تا این که عدنان رام شد! اصلا نمی‌توان باور کرد که چگونه عدنان وحشی رام شد به طوری که او قبل از آزادی ما گریه می‌کرد و می‌گفت؛ من هم دوست دارم با شما به ایران بیایم. فقط تصور کنید از نظر فرهنگی، چه فعالیت‌هایی صورت گرفت که این عراقی مزدور وحشی، شب‌ها برای خواندن نماز شب، پشت در آسایشگاه ما می‌آمد. حتی رفتار ما باعث شد یک سرباز عراقی به نام عوض چنان تغییر رفتار داد که شب‌ها می‌آمد و به من قرآن می‌داد بخوانم. گاهی حتی این سربازان، توسط فرمانده‌های‌شان توبیخ می‌شدند.

مکث

در نشست تخصصی تحلیل و تبیین ادبیات اسارت مطرح شد

ادبیات اسارت، ادبیات معناگراست

نشست تخصصی تحلیل و تبیین ادبیات اسارت با تکیه بر خاطرات خودنوشت و دیگرنوشت در سالن طاهره صفارزاده حوزه هنری تهران برگزار شد. این نشست با حضور علیرضا کمری، مرتضی قاضی، محمدرضا سنگری، جواد کاموربخشایش و تعداد دیگری از نویسندگان و منتقدان حوزه ادبیات دفاع‌مقدس و جانبازان و آزادگان جنگ برگزار شد و معصومه رامهرمزی و مرتضی انصاری‌زاده سخنرانی کردند.

فریبرز خوب‌نژاد، مدیر مؤسسه پیام آزادگان گفت: متاسفانه برای روز آزادگان در تقویم فقط نامی آمده است. اگر شروع نکنند به یادآوری خاطرات، این عزیزان فراموش می‌شوند. پیروز اصلی جنگ این آزادگان بودند، جنگ برای ایران هشت سال و برای آزادگان دو سال بیشتر بود. خانواده‌های اسرا دو سال دیگر هم صبر کردند.

بهترین پل برای ورود به ادبیات جهانی

معصومه رامهرمزی، نویسنده دفاع‌مقدس گفت: ادبیات اسارت با تکیه بر خاطرات آزادگان دفاع‌مقدس است، ادبیات اسارت ادبیات شناخته‌شده‌ای در تمام جهان است و علت‌هایی هم دارد که یکی از آنها این است که وقتی مردم تبعات و اسارت را می‌بینند حرکت‌های مردمی جهت محکوم کردن جنگ بیشتر می‌شود.

در ادامه به دلایل دیگر هم اشاره می‌کنیم. رامهرمزی ادامه داد: شاید ادبیات اسارت بهترین پل برای ورود به ادبیات جهانی باشد. ادبیات اسارت بخش موازی با جنگ است اما به نظر می‌رسد به صورت مستقل هم قابل بررسی است. ما اگر یک نگاه تاریخی داشته باشیم، ادبیات اسارت و خاطرات آزادگان همیشه الهام‌بخش بوده است.

محرومیت‌ها و فشارها؛ منبع الهام

معصومه رامهرمزی با تبیین ادبیات حبسیه مطرح کرد: ادبیاتی با عنوان حبسیه داریم که به بحث زندان می‌پردازد. یکی از مثال‌های بارزش اشعار مسعودسلمان در زندان غزنوی است و نمونه معاصرش هم اخوان‌ثالث در ادبیات معاصر است. حبسیه ماهیت خودنوشت دارد، یعنی فرد در زندان یا در مورد وضعیتی که در زندان دارد، نوشته است، یا شخص از این ادبیات برای مبارزه با زندانبان استفاده کرده است.

او افزود: خیلی اوقات محرومیت‌ها و فشارها منبع الهام است. بعضی از محققان خاطرات اسرا را جزو ادبیات حبسیه به‌شمار می‌آورند اما خاطراتی که افراد بعد از آزادی نوشتند، متأثر از احوالات جدید بوده است و به‌نظرم نمی‌تواند حبسیه باشد.

اصالت را در محتوا ببینیم نه در ساختار

رامهرمزی به ارائه تبیین ادبیات اسارت پرداخت و ملاک‌ها و معیارها را مطرح کرد و گفت: ادبیات اسارت ادبیاتی است که زبان گفتاری دارد که باید محکم و روان باشد و خواننده وقتی می‌خواند این را بداند که جز صداقت مطرح نشده است.

زمانی که دیگری می‌نویسد، مختار است هرطور خواست بنویسد، البته از حیطه وفاداری و صداقت خارج نشود. گاهی راوی در خودنوشت آن‌قدر زبان حرفه‌ای استفاده کرده که بسیار سخت و پر از اصطلاحات است و دیگرنوشت ساده‌تره و برعکس هم می‌تواند باشد.

این نویسنده حوزه دفاع‌مقدس بیان کرد: اصالت را در محتوا ببینیم نه در ساختار نوشتاری. در ادبیات اسارت غمی وجود دارد. در کتاب‌هایی که سعی کردند جذاب‌تر بنویسند ما این اندوه عمیق را داریم. ادبیات اسارت سرشار از حس‌های عمیق و متضاد مانند بیم و امید، زندگی و مرگ است.

جلوگیری از جنگ

این محقق افزود: در نگاه کلان ما اسرایی داریم که تسلیم دشمن شدند. آنها را نباید از یاد ببریم، چون واقعیتی است که اتفاق افتاده است. در کتاب‌هایی اشاره‌هایی شده است اما به‌عنوان سوژه اصلی خیر. از دیدن زندگی آنها به این پی می‌بریم که مقاومت و تحمل اسارت بسیار دشوار بوده است. بسیاری آرزو می‌کردند شهید شوند و اسیر نشوند. رامهرمزی گفت: ادبیات اسارت در دنیا کارکرد بزرگی دارد و آن حرکت مردمی برای جلوگیری از جنگ است چراکه اسارت یکی از چهره‌های زشت جنگ است که در اردوگاه‌ها اتفاق می‌افتاد. ادبیات اسارت ادبیات طنز هم دارد که نشان از روحیه آزادیخواه اسرا بوده است. در ادبیات اسارت، طنز کاری می‌کرده که زندانبان را از آن جای خودش پایین می‌کشیده است.



برش

ادبیات اسارت، ادبیات معناگراست

معصومه رامهرمزی با یادآوری خاطراتی از مقاومت‌ها و همدلی‌های آقای ابوترابی در اسارت تصریح کرد: در اردوگاه چشم در چشم دشمن داریم، فرهنگ دو کشور را در مقابل هم می‌بینیم. ادبیات اسارت ادبیات معناگرا است و به همان اندازه که چهره زشت جنگ را بازتاب می‌دهد یک فهم جدید از زندگی را هم نشان می‌دهد. کاری که آقای ابوترابی در اردوگاه کرد، مبین این قضیه بود.

در گفت‌وگو با راوی و آزاده آن‌قدر می‌پرسند و جست‌وجو می‌کنند که به لایه‌های زیرین خاطرات پی می‌برند. فرد مصاحبه‌کننده باید در خدمت راوی باشد و پیش‌فرضی نداشته باشد. اگر با هم پیش بروند و کمک کنند راوی به یک خودشناسی مجدد برسد، نوشته‌های جذابی را شاهد خواهیم بود. ما با خاطرات خودنوشتی روبه‌رو هستیم که مملو از بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی و مبالغه است و باید مشاور و راهنمایی باشد که هرچه را خواستند وارد نکنند.

حل سودوکو ۴۴۴۰

۹	۸	۳	۱	۷	۵	۲	۶	۴
۶	۵	۲	۹	۸	۴	۱	۷	۳
۷	۱	۴	۳	۶	۲	۵	۹	۸
۲	۷	۸	۴	۹	۱	۶	۳	۵
۵	۳	۶	۷	۲	۸	۹	۴	۱
۴	۹	۱	۶	۵	۳	۷	۸	۲
۳	۲	۷	۸	۱	۹	۴	۵	۶
۸	۶	۵	۲	۴	۷	۳	۱	۹
۱	۴	۹	۵	۳	۶	۸	۲	۷

سودوکو ۴۴۴۱

	۵					۸		
۱		۲		۸		۵		۶
	۶		۵		۲		۴	
		۵				۲		
	۱						۳	
		۹				۸		
	۴		۹		۳		۱	
۹		۶		۴		۷		۳
	۳					۲		

برای حل جدول اعداد باید در هر مربع کوچک‌تر ۳ در ۳ هیچ عدد تکراری وجود نداشته باشد.
همچنین هیچ عددی در یک سطر یا ستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

	۴						۲	
۱		۷		۳		۵		۶
	۵		۶		۲		۸	
		۳				۸		
	۹						۳	
		۸				۴		
	۳		۷		۸		۱	
۹		۲		۶		۷		۴
	۶					۹		

						۶		
						۱		
						۴		
						۸		
						۱		
						۲		
						۵		
						۹		
						۳		

	۵					۷		
۸		۴		۵		۳	۲	
	۱		۹		۳		۴	
		۳				۲		
		۸				۱		
		۲				۴		
	۳		۵		۷		۲	
۹		۸		۲		۶		۳
	۲					۸		

						۲		
						۵		
						۱		
						۴		
						۹		
						۳		
						۴		
						۸		
						۱		

	۵					۳		
۸		۴		۵		۲		۵
	۱		۹		۳		۷	
		۳				۲		
		۸				۱		
		۲				۴		
	۳		۵		۷		۱	
۹		۸		۲		۶		۲
	۲					۸		